

# رادیو در دوران اشغال

(قسمت دوم)



## زیاده خواهی

● رضا مختاری اصفهانی  
کارشناس ارشد تاریخ

## از سانسور تا

سیاسی میان تهران و لندن بر اینکه سلطنت تکیه زده بود؛ سلطنتی که در هنگام اشغال کشور متزلزل و بی ثبات می نمود. نیروهای متفقین که به بهانه وجود اتباع آلمانی و متحدین آن در ایران، خاک کشور را اشغال کرده بودند، علی رغم اعتراضات دولت ایران مبنی بر رفع همه بهانه ها در نقض بی طرفی، حاضر به پایان اشغالگری خود نبودند.

سرانجام در روز پنجشنبه، نهم بهمن ۱۳۲۰ برابر با ۲۹ ژانویه ۱۹۴۲ دولت های ایران، انگلستان و اتحاد جماهیر شوروی، پیمان اتحادی را در کاخ وزارت خارجه ایران به امضا رساندند. این پیمان با قرارداد ایران در حلقه کشورهای متخاصم با آلمان، بر ادامه اشغال کشور صحنه گذاشت. هر چند در فصل اول آن، تمامیت خاک ایران و حاکمیت و استقلال سیاسی کشور محترم شمرده شده بود، اما دولت های اشغالگر در فصل سوم پیمان با ملتزم شدن به اینکه با

در قسمت قبل، از وضعیت رادیو از آغاز اشغال ایران در شهریور ۱۳۲۰ تا خروج رضاخان از کشور صحبت شد؛ دوره ای که ابتدا سانسور از جانب دولت ایران و سپس از جانب اشغالگران بر اخبار رادیو اعمال می شد. در این قسمت با مدد اسناد، به اعمال سانسور توسط اشغالگران در رادیو و زیاده خواهی های آنان «در تخصیص بخش هایی از وقت رادیو» برای بیان نظرات و سیاست هایشان پرداخته خواهد شد.

### سانسور اخبار، توقیف رادیوها

کناره گیری رضاخان از سلطنت، آغاز دوره ای جدید در عرصه سیاسی کشور بود. شاه جوان (محمد رضا) در اوج کشمکش های

جمعیت و سالی که در اختیار دارند، از ایران در مقابل هر تجاوزی از جانب آلمان یا هر دولت دیگر دفاع نمایند، تعهد شاه ایران را در همکاری با این دولت ها برای انجام تعهد مذکور خواستار شدند و تنها نقشی که برای قوای نظامی ایران در نظر گرفتند، محدود به «حفظ امنیت داخلی در خاک ایران» بود.

## محدود کردن رادیو و روزنامه ها به اخبار

### خبرگزاری پارس و اجازه ندادن به آنها در

### استفاده از خبرها و تحلیل خبرگزاری ها و

### رادیوهای دیگر، تنها بخشی از جریان

### اطلاع رسانی عمومی را در اختیار اخبار یک

### طرفه متفقین قرار می داد. آنچه مهم بود افکار

### عمومی و گرایش آن به سمت آلمان بود، به

### ویژه پس از اعمال سانسور بر اخبار روزنامه ها

### توسط متفقین. این رفتار قیم مابانه تأثیر

### معکوس داشت. چنین رفتاری مردم را به

### سمت رادیو آلمان که در سه نوبت بر نامه

### داشت، جذب می کرد

دریافتی از رادیوهای خارجی را بدون اعمال سانسور درج نکنند. در مقابل این درخواست، علی سهیلی - نخست وزیر ایران - در نامه ای به سرریدر بولارد از دستور دولت ایران در این باره خبر داد. اما متفقین به ویژه انگلیسی ها معتقد بودند که مقررات سانسور به طور کامل اعمال نمی شود. بولارد با ذکر این دستور مبنی بر «انتشار اخباری که از طرف آژانس پارس تهیه می شود به صورت شفاهی بوده»، خواستار دستور رسمی در این زمینه شد تا به گفته او، «دیگر عذری برای انحراف، به عنوان این که مقرراتی راجع به این موضوع وجود ندارد باقی نماند».

سرانجام دولت ایران بر اثر این فشارها مجبور شد تن به ایجاد دایره سانسور جهت کنترل اخبار مطبوعات و رادیو بدهد. دایره سانسور در اسفندماه ۱۳۲۰ با حضور نماینده های دولت های شوروی و انگلیس به همراه نماینده اداره کل انتشارات و تبلیغات تشکیل شد. محدود کردن رادیو و روزنامه ها به اخبار خبرگزاری پارس و اجازه ندادن به آنها در استفاده از خبرها و تحلیل خبرگزاری ها و رادیوهای دیگر، تنها بخشی از جریان اطلاع رسانی عمومی را در اختیار اخبار یک طرفه متفقین قرار می داد. آنچه مهم بود افکار عمومی و گرایش آن به سمت آلمان بود، به ویژه پس از اعمال سانسور بر اخبار روزنامه ها توسط متفقین. این رفتار قیم مابانه تأثیر معکوس داشت. چنین رفتاری مردم را به سمت رادیو آلمان که در سه نوبت برنامه داشت، جذب می کرد. از سوی دیگر متفقین در هراس بودند که دستگاه های رادیو تبدیل به فرستنده های سیار برای نیروهای طرفدار آلمان در خاک ایران و مرزهای آن شوند. بر اساس این دلایل، لازم بود دستگاه های رادیو جمع آوری شوند.

در آن روزگار رادیو بیشتر در اتومبیل ها و اماکن عمومی وجود داشت. از همین رو، سرریدر بولارد در نامه ای به تاریخ ۱۱ فروردین ۱۳۲۱ از نخست وزیر ایران خواست رادیوهای اتومبیل ها و اتوبوس ها جمع آوری شوند. وقتی دولت ایران به سفیر انگلستان از نبود رادیو در اتومبیل های کرایه و اتوبوس ها خبر داد، سفیر سمج بر جمع آوری دستگاه های رادیو از اتومبیل های شخصی نیز اصرار ورزید. این درخواست «در هیئت وزیران مطرح و قرار شد به اداره شهربانی ابلاغ شود که رادیوهای اتومبیل ها را بردارند».

انگلیس ها در این کار چنان مصر بودند که بدون توجه به دولت ایران، شخصاً به بازرسی و جاسوسی درباره اتومبیل های دارای رادیو

به این ترتیب متفقین بر ادامه اشغال ایران مشروعیت بخشیدند و آن را به مثابه همکاری دولت های متحد جلوه گر ساختند. این اتحاد حقوق نامحدود برای شوروی و انگلیس و تکالیفی سخت بر گردن ایران قائل می شد، به طوری که بر طبق آن، دولت های مذکور حق داشتند «راه آهن و راه ها و رودخانه ها، میدان های هوایمایی، بنادر و لوله های نفت و همچنین تأسیسات تلفنی، تلگرافی و بی سیم» را در اختیار بگیرند. علاوه بر این «هر گونه عملیات سانسوری... نسبت به وسایل ارتباطی مذکور» مجاز بود.

بر این اساس، متفقین در صدد بودند افکار عمومی ایرانیان را به دلیل سابقه استعماری دولت های روس و انگلیس که خاطره خوشی از این دو دولت نداشتند و به آلمان ها که فراتر از رفتارشان به عنوان دشمن دولت های مذکور خوش بین بودند، با خود همراه ساخته یا حداقل از اقدام تخریبی آن جلوگیری کنند. از همین رو، اخبار پیروزی نیروهای آلمان می توانست برای متفقین در خاک ایران دردسرساز شود و برخی نیروهای اجتماع را علیه آنها بسیج نماید. بر این اساس آنها خواهان انتشار اخباری از رادیو و روزنامه ها بودند که به صلاح سیاست جنگی آنان بود. به این ترتیب متفقین به عنوان مدافعان دنیای آزاد با سلاح سانسور به نبرد با فاشیسم و نازیسم رفتند. اولین اقدامی که متفقین در مقابله با اخبار مخالف اهدافشان انجام دادند، این بود که از دولت ایران خواستند روزنامه ها، اخبار

## آنچه درباره رادیو ظریف تر و حساس تر بود،

## این بود که روس ها از طریق امواج رادیو از مرکز

## کشور بخش هایی از دولت ایران را مورد حمله

## قرار داده و همچنین از این وسیله برای بسط

## نفوذ سیاسی خود در سراسر کشور بهره

## می بردند

دست زده، از مقامات ایرانی خواستند توقیف رادیوها هرچه زودتر صورت پذیرد.

زیاده خواهی های متفقین به ویژه انگلیسی ها آنچنان بود که دولت ایران در اقدامی بی سابقه به استقبال دستورات اشغالگران رفت و فراتر از خواست آنان به توقیف دستگاه های رادیو در اماکن عمومی اقدام نمود. بولارد در نامه ای به سهیلی به این اقدام روی خوش نشان نداد؛ زیرا به اعتقاد او، «اقدام مزبور مانع از آن می شد که وقایع و اتفاقات جهان به وسیله رادیو به گوش مردم برسد».

رادیو می توانست اخباری را منتشر سازد که مطابق میل متفقین باشد. بنابراین با نظارت و کنترلی که اشغالگران و دولت ایران بر اماکن عمومی داشتند، رادیو نمی توانست وسیله ای برای انتشار اخبار و افکار آلمانی باشد. از همین رو بولارد متأسف بود که چنین وسیله ای که در عقاید عمومی نفوذ و تأثیر داشته در حال حاضر در دسترس نباشد. اما وی سیاست سانسور را در باره استفاده از رادیو در اماکن عمومی از نظر دور نداشته، معتقد بود «رادیو نباید در اماکن عمومی برای انتشار اخبار ممالک متصرفه دشمن به کار برده شود». از همین رو او به دولت ایران پیشنهاد کرد که برای جلوگیری استفاده از رادیو در این اماکن به «صدور پروانه های کوتاه مدت» مبادرت ورزند.

بدین ترتیب صاحبان اماکن عمومی برای از دست ندادن جواز استفاده از رادیو و به تبع آن، محروم نشدن از خیل مشتریانی که برای شنیدن اخبار جنگ و برنامه های رادیو به این اماکن روی می آوردند، مجبور بودند موج رادیوهایشان را تنها بر روی امواج رادیوهای تهران و BBC ساکن سازند. چنانکه وقتی دو کافه گلستان و کوچکیان در اصفهان این امر را نادیده گرفتند، با ضبط و توقیف رادیوهایشان مواجه شدند. سرانجام بر اثر مکاتبات فراوان با مقامات مسئول و اظهار شکوه از اینکه در کاسیوهایشان نقصان وارد شده، رئیس شهرستانی اصفهان در نامه ای خطاب به استاندار نوشت: «نظر به این که مدیران کافه گلستان و کوچکیان تعهد نموده از اخبار رادیوی دول محور استفاده نکنند و مراتب را به اداره کل شهرستانی گزارش بدهند، پاسخی رسید که به آنها اجازه داده شود از رادیوهای خود استفاده نمایند. تذکر داده شد از اخبار دول محور به هیچ وجه استفاده نمایند».

**صاحبان اماکن عمومی برای از دست ندادن جواز استفاده از رادیو و به تبع آن، محروم نشدن از خیل مشتریانی که برای شنیدن اخبار جنگ و برنامه های رادیو به این اماکن روی می آوردند، مجبور بودند موج رادیوهایشان را تنها بر روی امواج رادیوهای تهران و BBC تنظیم کنند**

## رادیو، شرکت سهامی متفقین

متفقین تنها به کنترل مخاطبان و سانسور مطالب رادیو قانع نبودند، بلکه مطالبات آنان در زمینه مطالب رادیو و داشتن فرصتی در اوقات رادیو گام به گام فزونی می یافت. از طرفی پیمان اتحاد هم راه مشروعیت این زیاده خواهی ها را گشوده بود. همچنان که گفته شد طبق ماده ای از پیمان اتحاد میان ایران، انگلستان و شوروی، دو دولت اشغالگر اجازه داشتند به طور نامحدود «جمع و وسایل ارتباطی را در خاک ایران به کار ببرند، نگاهداری کنند و حفظ نمایند و در صورتی که ضرورت نظامی ایجاب نماید به هر نحوی که مقتضی باشد آنها را در دست بگیرند».

## اولین اقدامی که متفقین در مقابله با اخبار مخالف اهدافشان انجام دادند، این بود که از دولت ایران خواستند روزنامه ها، اخبار دریافتی از رادیوهای خارجی را بدون اعمال سانسور درج نکنند

بر اساس این بند، از همان ماه های آغازین اشغال ایران، بخشی از برنامه های رادیو تهران با عنوان **اخبارات رادیوی متفقین** به اخبار جنگ از زبان روس ها و انگلیس ها اختصاص یافت، اما دولت ایران این برنامه ها را مشروط به این می دانست که «موضوعات مورد سخنرانی، نباید اصولاً از موضوعات مربوط به عبور لشکریان و مهمات از یک دولت متحد به دولت متحد دیگر برای مقاصد مشابه آن تجاوز کند و بنابراین پخش هر نوع گفتار و یا مسائل مربوط به امور داخلی ایران در حالی که موافق با مقررات و قوانین ایران نباشد، مجاز نیست». همچنین ایران خود را موظف می دانست از پخش برنامه هایی که «ایجاد کدورتی بین متفقین نماید» جلوگیری کند.<sup>(۱)</sup> ولی کم کم تقاضاهای متفقین برای استفاده از رادیو افزایش یافت و این بند چنان تنظیم شده بود که بر اساس آن زیاده خواهی های بی حد و حصر اشغالگران قابل توجیه و تفسیر بود. از همین رو اداره انتشارات سفارت انگلستان در مرداد ماه ۱۳۲۲ از دولت ایران تقاضای فرصتی ۳۰ دقیقه ای برای دوبار در هفته در رادیو تهران کرد تا ارتش انگلستان در این فرصت بتواند از طریق موج کوتاه، برای سربازانش در ایران اخبار و موسیقی پخش کند و در صورت نیاز پیام های شخصی نیروهای انگلیس به انگلستان فرستاده شود. ارتش هندوستان هم که در آن زمان تحت فرماندهی انگلیس ها و در کنار آنها در جنگ شرکت داشت، تقاضای پخش اخبار و موسیقی به طور روزانه از رادیو تهران داشت. به تبع انگلیسی ها، رقیب آنها - یعنی سفارت شوروی - هفته ای سه شب و در هر نوبت نیم ساعت از وقت رادیو تهران را در اختیار گرفت تا مطالب ادبی، سیاسی و موسیقی که

توسط خانه فرهنگ روس ها تهیه می شد، به زبان فارسی پخش کند. اگر انگلیس ها با تدریس زبان انگلیسی در رادیو، می خواستند به اشاعه فرهنگ و زبان خود همت گمارند، روس ها نیز سعی داشتند با پخش برنامه مخصوص کودکان و از طریق داستان ها و ادبیات اتحاد جماهیر شوروی بر اذهان نوجوانان ایرانی تأثیر بگذارند. در این میان رادیو تبدیل به یک شرکت سهامی شده بود که دولت های مختلف از آن برای خود سهمی می طلبیدند؛ تا آنجا که دولت ترکیه هم انتظار داشت چون غالب دول از رادیوی تهران استفاده می نمایند چنین امتیازی به این کشور نیز داده شود.

با گذشت زمان و طلوع پیروزی در جبهه های نبرد علیه آلمان، اختلافات میان متفقین نمودار می شد. دوستان دیروز کم کم به دشمنان امروز تبدیل می شدند و اهداف و برنامه های پس از پیروزی چیزی نبود که متفقین از آن غافل بمانند. از همین رو، روس ها با پخش برنامه به زبان لهستانی سعی داشتند پس از پایان جنگ نیز زمینه سلطه خود را بر این کشور فراهم سازند. این درخواست، دولت ایران را در تنگنایی بزرگ قرار می داد؛ چون ایران دولت آزاد لهستان مقیم لندن را به رسمیت شناخته بود، در حالی که روس ها در صدد حاکم کردن دولت دست نشانده مسکو در این کشور بودند و از طریق برنامه های رادیویی هدف مذکور را دنبال می کردند. جالب اینکه در این زمان تعداد قابل توجهی از اتباع لهستان به صورت پناهنده های جنگی در ایران به سر می بردند و این افراد اهداف خوبی برای برنامه های تبلیغی

روس ها بودند.

سرانجام آنکه روس ها به بهانه «پخش اخبار به زبان لهستانی برای عده زیادی از اتباع شوروی که به زبان لهستانی سخن می گویند لازم است»، توانستند اجازه پخش برنامه به زبان لهستانی را به دست آورند. البته آنان بر این شرایط گردن نهادند که «اولاً ترجمه اخبار به زبان فرانسه را قبلاً برای بررسی تسلیم اداره رادیو نموده، ثانیاً بر ضد لهستان آزاد مقیم لندن اظهاری ننمایند»، ولی روس ها به تعهد خود پایدار نماندند و در کمتر از پنج ماه فریاد اعتراض اداره کل انتشارات و تبلیغات بلند شد و در نامه ای به اطلاع مرتضی قلی خان بیات - نخست وزیر - رسید. حسن صفوی، مدیر کل انتشارات و تبلیغات در نامه خود به تاریخ ۱۱ بهمن ۱۳۲۳ از تقلب روس ها خبر داد و اینکه برنامه ها به زبان لهستانی به نمایندگی آژانس رسمی حکومت موقت لهستان (لوبلین) پخش می شود. همچنین در این برنامه ها به حکومت لهستان آزاد مقیم لندن حمله شده بود. روس ها با این اقدام نه تنها شروط ایران را در دادن محور پخش اخبار به زبان لهستانی نادیده گرفته بودند، بلکه از توافق ایران با متفقین مبنی بر پخش نشدن اخباری که موجب کدورت یکی از دولت های متفق شود، تخطی کرده بودند. هنوز دو روز از ارسال نامه صفوی به نخست وزیر نگذشته بود که بند دیگر توافق ایران و متفقین درباره انتشار اخبار آنها زیر پا گذاشته شد.

همچنان که گفته شد دولت ایران نیروهای اشغالگر را از «پخش

**طبق ماده ای از پیمان اتحاد میان ایران، انگلستان و شوروی، دودولت اشغالگر اجازه داشتند به طور نامحدود «جمع وسایل ارتباطی را در خاک ایران به کار ببرند، نگاهداری کنند و حفظ نمایند و در صورتی که ضرورت نظامی ایجاب نماید به هر نحوی که مقتضی باشد آنها را در دست بگیرند»**





هر نوع گفتار و یا مسائل مربوط به امور داخلی ایران» بر حذر داشته بود، ولی بر اساس نامه‌ای که در تاریخ ۲۴ بهمن ۱۳۲۳ توسط صفوی به وزارت امور خارجه نوشته می‌شود، این توافق توسط روس‌ها نادیده گرفته شده بود. شرح ماجرا به نقل از مدیر کل انتشارات و تبلیغات به این گونه است که «در ساعت هفت و نیم بعد از ظهر روز جمعه ۱۳ بهمن ماه ۱۳۲۳ که برنامه شوروی توسط خانه فرهنگ اجرا می‌شد، مقاله‌ای که به نقل از روزنامه پراودا راجع به آقای سیدضیاءالدین طباطبایی تنظیم شده بوده، در رادیو تهران ایراد شده و در مقاله نام برده جملات زنده و عبارات نامطبوعی مندرج بوده که به وسیله رادیو بیان شده است».

**روزنامه پراودا** هم در روایت ماجرا چنین می‌نویسد: «شب شنبه در ایستگاه فرستنده رادیو تهران جنجالی به پا شد. هنگام پخش برنامه صفوی - رئیس اداره کل تبلیغات - ناگهان خود را به اتاق پخش رسانده، با پیرخاش بسیار، گوینده را از اتاق بیرون رانده، تصمیم می‌گیرد خودش جای گوینده را بگیرد. وی در مقابل میکروفون قرار گرفته اظهار می‌دارد مقاله‌ای که در جریان پخش بود، از نظر او نگذشته و مورد تصویب مقام شامخ ایشان قرار نگرفته است. ضمناً چندین جمله بی‌ربط دیگر راجع به مقاله‌ای که مورد بغض ایشان قرار گرفته بود اضافه کرد. این چه مقاله‌ای بود که آقای صفوی را این گونه متغیر کرد؟ این مقاله رفیق ولادیمیروف بود که در روزنامه پراودا با عنوان «تشدید عناصر ارتجاعی در ایران» منتشر شده بود».

فرمای آن روز، صفوی با سیخان قلی اف - نماینده خانه فرهنگ شوروی - دیدار و مراتب اعتراض ایران را به او اعلام کرد. قلی اف در توجیه ارائه نکردن مفاد مطالب برنامه به اداره کل انتشارات و تبلیغات گفت: «به علت آن بوده است که سفارت انگلیس نیز از اجرای این وظیفه خودداری نموده و چنانچه اینک هم مقامات انگلیس به ادای وظیفه خود در ارسال قبلی متن گفتار اقدام نمایند، ما نیز به همین نحو عمل خواهیم کرد».<sup>(۳)</sup>

چنین وضعیتی که توسط روس‌ها در رادیو به وجود آمده بود، در واقع شبیه رفتار این دولت در مناطق اشغالی شمال و شمال غربی کشور بود. روس‌ها در این مناطق، نیروهای حامی خود را در مراکز قدرت به کار می‌گماشتند، تا آنجا که از قدرتشان در انتخاب نماینده‌های طرفدار شوروی برای مجلس ۱۴ استفاده کردند. آنچه درباره رادیو ظریف تر و حساس تر بود، این بود که روس‌ها از طریق امواج رادیو از مرکز کشور بخش‌هایی از دولت ایران را مورد حمله قرار داده و همچنین از این وسیله برای بسط نفوذ سیاسی خود در سراسر کشور بهره می‌بردند.

در این وضعیت، دولت ایران و انگلستان دارای منافع مشترک بودند. با نزدیک شدن پایان جنگ، دیگر نازیسمی وجود نداشت که تهدیدی برای سلطه انگلیس در اقصا نقاط جهان و از جمله ایران باشد، بلکه این کمونیسم بود که تهدید تازه دنیای غرب به شمار می‌رفت. در ایران شاید تمام بخش‌های دولت مورد حمله شوروی‌ها قرار نمی‌گرفت، اما برخی از رجال بانفوذ به عنوان مهره انگلیس مورد حمله قرار گرفته و در پوشش این حملات وضعیت موجود زیر سؤال

می‌رفت؛ وضعیتی که مورد خواست و رضایت انگلیسی‌ها بود. از همین رو دولت ایران و انگلستان برای کوتاه کردن دست روس‌ها از رادیو تهران تصمیم گرفتند ابتدا برنامه‌های صدای انگلستان را از فهرست برنامه‌های رادیو حذف کنند. بر همین اساس، دولت ایران در اعلانی به تاریخ ۱۸ بهمن ۱۳۲۳ از توقف برنامه‌های انگلیس‌ها در رادیو تهران از نوروز ۱۳۲۴ خبر داد و سفارت انگلستان هم از این اقدام استقبال کرد. بولارد در نامه‌ای، از «مساعدت‌های نزاکت آمیز دولت ایران نسبت به متفقین خود در یک موقع بحرانی» تشکر کرد. وی در نامه‌اش از پخش اخبار دولت‌های فرانسه آزاد، بلژیک، لهستان و سایر متفقین در مدت سه سال، سخن به میان آورد و در پایان، اظهار امیدواری کرد که «توقف اخبار صدای انگلستان، به دولت ایران در جهت ایجاد وضعیت عادی در کشور کمک کند».

تعطیلی اخبار صدای انگلستان، آزادی عمل بیشتری به مقامات ایرانی داد تا در مقابل تقاضای سفارت شوروی ایستادگی کنند؛ تا آنجا که وقتی روس‌ها تقاضای دو فرصت نیم ساعته در هفته برای پخش برنامه ضدفاشیسم نمودند، این امر مورد موافقت قرار نگرفت. به رغم این مخالفت‌ها، برنامه‌های خارجی تا شهریور ۱۳۲۴ در رادیو تهران به حیات خود ادامه دادند، تا این که سید محمد باخدا - مدیر کل جدید انتشارات و تبلیغات - در نامه‌ای به تاریخ یکم شهریور از نخست وزیر خواست با توجه به پایان جنگ جهانی از پخش برنامه‌های خارجی در رادیو جلوگیری شود.

بدین ترتیب با خاتمه جنگ دوم جهانی، دوره‌ای دیگر از تاریخ رادیو در ایران به پایان رسید؛ دوره‌ای که نشان از دخالت، زیاده خواهی و آثار شوم اشغالگری در تمام شئون کشور داشت. این وضعیت زخم‌های عمیقی بر پیکره ناسیونالیسم ایرانی بود و رادیو به نوبه خود در مقابل این ناروایی‌ها پاسخی به درازای تاریخ داد.

#### پاورقی

۱. آرشیو مرکز اسناد ریاست جمهوری، شماره ۳۷۵ پایگاه نخست وزیری، شماره مذکور شامل پرونده مفصلی درباره اسناد و مکاتبات مربوط به برنامه‌های متفقین در رادیو تهران می‌باشد.

۲. همان، شماره ۳۷۵. در سند مذکور تاریخ اعلان دولت در رادیو تهران هفتم فوریه درج شده که از لحاظ انطباق با تاریخ شمسی برابر با ۱۸ بهمن ماه می‌شود. ولی به نظر می‌رسد با توجه به سیر مکاتبات، این اعلان باید در تاریخ ۱۷ فوریه باشد که در ترجمه نامه بولارد به اشتباه هفتم فوریه ثبت شده است.

#### منابع:

- تیرانیان، ضیاءالدین. (۱۳۷۱). **ایران در اشغال متفقین**. تهران: مؤسسه خدمات فرهنگی رسا.

- اسماعیلی، علیرضا و دیگران (۱۳۱۸-۱۳۴۵). **معاون مدیریت و اطلاع رسانی دفتر رئیس جمهور**.

- اسنادی از **تاریخچه رادیو در ایران**. تهران: وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.

- **ایران در اشغال متفقین**: ۱۹۱

- آرشیو مرکز اسناد ریاست جمهوری.

